

مردم آذربایجان و آیین‌های عاشورایی

کربلا مسلخ عشق و محرم فصل عشق ورزی به اسوه جوانمردی، آزادی، عزت، کرامت و شجاعت است، محرم زنگار دل‌ها را شستشو می‌دهد و دل را به عشق حسین (ع) پیوند می‌زند.



به سوگ نشستن آذربایجان با صدای «#171;شاخسی و اخسی»

کربلا مسلخ عشق و محرم فصل عشق ورزی به اسوه جوانمردی، آزادی، عزت، کرامت و شجاعت است، محرم زنگار دل‌ها را شستشو می‌دهد و دل را به عشق حسین (ع) پیوند می‌زند.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، فرا رسیدن محرم و عزاداری حسینی در اقصی نقاط جهان، عشق و ارادت به سالار شهیدان را به نمایش می‌گذارند. مردم مناطق مختلف ایران نیز در این ماه در قالب، هیئت‌های عزاداری، زنجیر زنی و سینه‌زنی سر از پا نشناخته و با اشک، آه و ماتم و برگزاری مراسم سوگواری، یاد و خاطره امام حسین (ع) و یاران با وفایش را گرامی می‌دارند.

پرچم ماتم حسینی قرن‌ها است که با وجود فراز و نشیب‌های مختلف به همت عاشقان امامت در دیار آذربایجان همچنان در اهتزاز است.

مردم منطقه آذربایجان همه ساله مراسم عزاداری محرم و صفر را به صورت گسترده و به شیوه سنتی خاص برگزار می‌کنند. مجالس حسینی مرسوم به «#171;فهنه»، روضه خوانی در منازل و تکیای آذربایجان در غیر از ماه‌های محرم و صفر نیز برگزار می‌شود، اما دهه پایانی ذیحجه، آذربایجان یکپارچه چهره حسینی به خود می‌گیرد به طوری که اکثر شهروندان چند روز قبل از فرا رسیدن ماه محرم لباس‌های مشکی پوشیده و دستار سیاه به نشانه عزای بر سر خویش می‌بندند و پرچم‌های عزا در کوچه و بازار نصب می‌کنند.

از چندین روز قبل از آغاز ماه محرم، تبریز معروف به ام‌الهیئات، در عزای حسینی فرو می‌رود. این را می‌توان از صدای شبانگهی طبل‌ها و تسخیر گشتن شهر در میان پرچم‌ها و بیرق‌های سبز، سیاه و سرخ فهمید. تمام نقاط این شهر با پرچم‌ها و نمادهای مختلف عزای حسینی پوشیده شده است. اکثر مساجد، محلات، حسینیه‌ها، مغازه‌ها، بازارها و حتی بسیاری از ماشین‌های این شهر سیاه پوش شده‌اند. تعداد قابل توجهی از مردم شهر نیز لباس سیاه عزا بر تن کرده‌اند و بدین ترتیب در سوگواری سید و سالار شهیدان حسین بن علی (ع) شرکت جسته‌اند.

در بازار بزرگ و قدیمی تبریز نیز مراسم عزاداری با شور و شوق خاصی برپاست. گروهی از عزاداران بازار با پوشیدن کت و شلوار سیاه به صورت یک دست و متحدالشکل آیین‌ها و عزاداری‌های خاصی را برگزار می‌کنند.

پوشیدن لباس سیاه در برخی موارد تا روز اربعین حسینی ادامه می‌یابد و برخی دستارهای سیاه بسته شده به سرشان را تا سوم امام نکه می‌دارند. برخی آقایان هنگام عزاداری پیراهنی بلند تا پایین‌تر از زانو بر تن می‌کنند و برخی حتی نوعی دامن سیاه را به همراه پیراهن سیاه مردانه می‌پوشند. می‌گویند در تبریز علم‌ها و کتل‌های قدیمی و ارزشمند زیادی وجود دارد که حتی برخی وقف شده توسط شاهان فجری است.

فریادهای «#171;شاخسی و اخسی»، حیدر، صفدر، حسینییم وای، حسینییم وای، مظلوم اوله حسین وای و... از تمام نقاط شهر به گوش می‌رسد و اکثر مراسم عزاداری روزهای اول تا هشتم محرم در شب انجام می‌پذیرد و در روزهای تاسوعا و عاشورا این مراسم در روز نیز برپا است.

تبریز شهر ام‌الهیئات است؛ چرا که بیشترین تعداد هیئت‌های محب اهل بیت (ع) را داراست و تقریباً در تمام ایام سال مردم این شهر به یاد خاندان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بوده‌اند و اوج این محبت در دهه اول محرم الحرام جلوه گر می‌شود.

احسان و ادای نذورات

عاشقان خاندان نبوی (ص) و دلسوختگان مکتب ابا عبدالله الحسین (ع) در آذربایجان همزمان با فرارسیدن ماه محرم، با انجام آیین‌ها و رسم‌های ویژه سوگواری واقعه جانگداز کربلا را برپا می‌دارند؛ احسان و ادای نذر در این ماه گرامی از جمله این رسم‌هاست. مردم ایران نذرهای مختلفی برای قبولی حاجاتشان می‌کنند و احسان‌های گوناگونی را برای ایام عزاداری محرم الحرام دارند که هر یک دارای زیبایی و معنویت خاصی است. آذربایجانی‌ها، اعتقاد ویژه‌ای به اطعام از سفره ابا عبدالله الحسین (ع) دارند و معمولاً از غذاهای پخش شده و نذری در این ایام برای بیماران خود به تبرک می‌برند.

حتی برخی معتقدند که غذا پختن در روز عاشورا کراهت دارد و حتماً باید از غذای نذری خورد. در این روزها در برخی مساجد و خانه‌ها سفره حضرت سیدالشهدا (ع) باز است و مردم به اطعام از این سفره مبارک می‌پردازند. اکثراً غذاهای طبخ شده برنج است که با خورشت‌های مختلفی برای پذیرایی از عزاداران حاضر می‌شود.

در بعضی از مناطق، از اول محرم تا روز عاشورا همه روزه در مساجد غذای احسان طبخ می‌شود و مردم دیگر در خانه‌هایشان غذا نمی‌پزند. اما در تمام مناطق، روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی چنین سفره‌ها و احسان‌هایی مهیاست.

آش از دیگر غذاهایی است که مردم در بزرگداشت ایام عزاداری سرور و سالار شهیدان می‌پزند. آش‌ها معمولاً بنا بر نذر و حاجتی تهیه می‌شود و در بین در و همسایه و آشنایان پخش می‌شود. شله زرد هم از دیگر طعام‌های نذری ماه محرم است که در اکثر شهرها طبخ می‌شود و در بین عزاداران حسینی و نزدیکان و آشنایان پخش می‌شود. در برخی از مساجد و حسینیه‌ها نیز آبگوشت این غذای سنتی حاضر می‌شود و در بین عزاداران پخش می‌شود.

شربت‌ها و نوشیدنی‌ها بخش دیگری از نذورات این ماه را تشکیل می‌دهند، برخی از حسینیه‌ها و قهوه‌خانه‌ها به پخش چای در این

ماه اقدام می‌کنند؛ اما شربت‌ها بیشتر در محرم‌های مصادف با فصول گرم سال داده می‌شود. شیر داغ برای فصل‌های سرد، خرما، شکر پنیر، لقمه نان و پنیر و سبزی، ساندویچ‌ها، انواع کلوچه‌های محلی و نان‌های روغنی، دلمه اهری، لقمه کوکو از دیگر نذورات مردم در دهه اول ماه محرم، خصوصا روزهای عاشورا و تاسوعاست.

پابره‌نه رفتن در خیابان، گل مالیدن به سر و صورت، زیر علامت رفتن و مواردی از این دست، از دیگر ادای نذرهای مردم است. از دیگر نذرها در ایام ماه محرم، می‌توان به مواردی چون نذر پوشیدن لباس سیاه یا سبز در ایام عزاداری حضرت امام حسین (ع)، انداختن شال سیاه یا سبز بر گردن، بستن پارچه سبز (یا شیل) بر مچ دست، سوار کردن کودکان بر اسب نمادین ذوالجناح، گذاشتن کودک در گهواره نمادین حضرت علی اصغر (ع)، دادن نوزاد به آغوش تعزیه خوان نقش حضرت علی اکبر (ع)، حضرت ابوالفضل (ع) و امام حسین (ع) و ... اشاره کرد.

حتی بعضی‌ها نذر می‌کنند تا در تعزیه امام حسین (ع) بازیگری و شبیه گردانی کنند و به این ترتیب عشق خود را به فرزندان رسول الله ابراز می‌دارند.

نذر شمع، علی‌الخصوص در روز تاسوعا در اکثر مناطق آذربایجان و شب شام غریبان در تمام کشور رواج دارد. گاهی بر اساس نذر، عصر روز تاسوعا تعدادی شمع را در بین مردم پخش می‌کنند یا در مکان مشخصی روشن می‌کنند و یا این که به اندازه قد کودکان شمع سفارش می‌دهند و در این زمان روشن می‌کنند.

برخی دیگر از مردم در صورت قبولی نذرشان دستجات و هیئت‌های عزاداری را به خانه خود دعوت می‌کنند و از عزاداران پذیرایی می‌کنند. خانه درگذشتگان، خانه بیماران، گلزار شهدا و قبرستان‌ها، از دیگر محل‌هایی است که دستجات عزاداری در آن حضور می‌یابند.

قربانی کردن گاو و گوسفند در مقابل دستجات زنجیرزنی و سینه زنی، پخش غذا و شیر و شربت و شله زرد در مراکز درمانی، مراکز بهزیستی، شیرخوارگاه‌ها، خانه‌های سالمندان، بستن پارچه بر علم‌های دستجات عزاداری و دادن خون به بیماران نیازمند به جای قمه‌ن، از دگ احسان‌ها و نذرهای ستوده در ایام سوگ حسین بن علی (ع) است.

عزاداری بازاریان تبریز

بنای معظم و سرپوشیده بازار تاریخی تبریز که از آن به عنوان بزرگ‌ترین بازار مسقف و به هم پیوسته جهان یاد می‌کنند و قدمت آن به صدها سال قبل می‌رسد این روزها شاهد سوگواری عزاداران حسین بن علی (ع) است.

دستجات مختلف عزاداری محلات قدیمی تبریز طبق روال سال‌های گذشته و با همان سبک و شیوه سنتی خود امسال نیز به یاد حضرت سیدالشهدا (ع) سوگواری می‌کنند. تیمچه مظفریه قلب تپنده بازار به عنوان مرکز عزاداری‌ها این روزها لبریز از سوگواری حسینی است. عزاداران بازار با یک نظم و انتظام خاص، سرتا پا سیاه پوش و بعضا با دستارهایی سیاه بر سر، در سوگ حضرت اباعبدالله الحسین (ع) مراسم سنتی - مذهبی سینه زنی و زنجیرزنی را به جای می‌آورند. در مقابل هر یک از این دستجات نیز علم‌هایی به عنوان معرف دسته عزاداری و محله مربوط به آن حمل می‌شود. برخی از این علم‌ها از قدمت تاریخی برخوردارند.

مرثیه‌ها و نوحه‌های خوانده شده در بازار تبریز اکثرا به زبان ترکی آذربایجانی و با همان لحن و سبک قدیمی است.

بازار همچنین محل پخش احسان‌ها و نذورات است؛ برخی از مغازه‌ها با پخش چای و دیگر نذورات از عزاداران امام حسین (ع) پذیرایی می‌کنند. زن‌ها اجازه ورود به مراسم عزاداری بازار را ندارند و این مراسم صددرصد مردانه است. دستجات عزاداری پس از طی بخش‌های مختلف بنای سرپوشیده بازار تاریخی تبریز، از آن خارج می‌شوند و همه دستجات جز چند دسته عزاداری مشخص، اجازه ورود به بازار، ندارند.

معنویت و روحانیت خاصی بر بازار تبریز در شب‌های محرم حاکم است که حاجتمندان شهر را نیز بدان جا می‌کشاند و آنان در مقابل دستجات عزاداری و در حلقه عشاق حسین بن علی (ع) دست بر دامن حضرتش می‌شوند. سه نوع از دستجات عزاداری سنتی در بازار حضور می‌یابند، دستجات عرب، عجم و زنجیر که تا چند روز بعد از عاشورا همچنان سوگواری می‌کنند. تبریز سراسر عزاخانه حسینی است که حتی بازار، قلب تپنده اقتصاد آن، نیز از این امر مستثنی نیست.

پرده‌خوانی و پرده‌داری

پرده‌خوانی یکی از هنرهای سنتی ایرانی است که با باورها و اعتقادات مردم این مرز و بوم آمیخته شده است. از ذکر جنگ‌ها و دلاوری‌های حضرت امیرالمومنین علی (ع) گرفته تا مصیبت‌های اهل بیت (ع) در سرزمین خون و تشنگی کربلا همه و همه بر سینه پرده‌های رنگارنگ نقش می‌بندد و از سینه پرده‌خوانان شیرین سخن می‌تراود و آنگاه شیعه به مدد هنری اصیل و سنتی تولی و تبری می‌کند.

شمع، سوختن در ماتم

شمع مایه روشنایی است می‌سوزد و نور می‌بخشد و بر ظلمت و تاریکی فائق می‌آید. روشن کردن شمع در واپسین روزها و شب‌های دهه نخستین ماه غم و اندوه، محرم الحرام، از جمله رسم‌های مردم ایران محسوب می‌شود؛ بویژه در شام غریبان. در تاسوعا نیز شمع‌های متعددی به یاد عباس (ع) و حسین (ع) برافروخته می‌شود. شمع‌ها می‌سوزند و فریادهای ای وای ابوالفضل ای وای، قول سوز ابوالفضل ای وای، سومشکینی اوخلادیلار العطش العطش و ... اشک و غم و اندوه را بر گونه‌های عاشقان خاندان اهل بیت (علیهم السلام) جاری می‌سازد.

واژه‌هایی چون ابوالفضل، قول سوز (بی دست)، سوسوز (تشنه کام)، سومشکی (مشک آب)، العطش، قارداش (برادر) و .. در میان اشعار رثای آذربایجانی‌ها خبر از فرارسیدن تاسوعای حسینی را می‌دهد.

گرداندن ذوالجناح

بازگشت بدون سوار ذوالجناح از صحرای کربلا یکی از غم‌انگیزترین صحنه‌های واقعه عاشورا بوده است و بیانگر اوج اندوه و غم

فرزندان خاندان اهل بیت (ع) در فراق حضرت حسین بن علی (ع) است. این صحنه اندوه‌بار در ایام عزاداری حسینی و علی الخصوص در روز عاشورا در مناطق مختلف به صورت نمادین باز آفریده می‌شود.

تزئین اسبی به عنوان نماد ذوالجناح یکی از آئین‌های ویژه عزاداری روز عاشورا در مناطق مختلف آذربایجان است. مردم این منطقه معمولاً در این روز اسبی سفید رنگ را با پارچه‌های سفید و سبز و آغشته به رنگ سرخ تزئین می‌کنند و در کوچه و خیابان‌ها می‌گردانند، گاه چندین کبوتر خونین بال نیز بر زین اسب نهاده می‌شود تا فضای حزن‌انگیز و معنوی مراسم را دوچندان کند. در برخی مناطق آذربایجان در برابر ذوالجناح اشعار و مرثیه‌هایی نیز خوانده می‌شود و عزاداران از او سراغ سرور و آقایشان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را می‌گیرند سر و گردن اسب را به آغوش می‌کشند و اشک حسرت و ماتم سر می‌دهند و همزمان بر سر و روی اسب کاه می‌پاشند.

مردم نیز اعتقاد و علاقه ویژه‌ای به ذوالجناح نمادین نشان می‌دهند و نذر می‌کنند و فرزندان‌شان را بر پشت این اسب نمادین می‌نشانند. حضور اسبی سفید و خونین در میان جمعی عزادار و سر تا پا سیاه جلوه ویژه‌ای به شهرها و روستاهای سوگوار آذربایجان می‌دهد و بر حال و هوای عاشورایی عزاداران می‌افزاید.

علم بندی، مظهر نهضت عاشورا

آئین سنتی علم بندی به مناسبت سومین روز از ماه محرم با حضور جمع کثیری از عزاداران حسینی در محلات مختلف شهر مراغه برگزار می‌شود. علم بندی یکی از آئین‌های قدیمی و اختصاصی مراغه در ماه محرم است که در محله‌ها توسط هیئت‌های مذهبی به یاد علمدار دشت کربلا حضرت ابوالفضل العباس (س) برپا می‌شود.

مردم این شهرستان با برافراشتن علم که به عنوان پرچم سربلندی و پیروزی حق بر باطل است، مظهر نهضت عاشورا را حفظ کرده‌اند. هیئت‌های عزاداری این شهرستان با برافراشتن علم که نماد استقامت و پیروزی شیعه است، ارادت خود را به اباعبدالله الحسین (ع) و یاران باوفایش ابراز می‌کنند. قبل از برپایی علم اقشار مختلف مردم که نذر و حاجتی دارند برای برآورده شدن آن روسری، پارچه و شال به علم می‌بندند به طوری که تمام طول علم با پارچه‌های رنگارنگ پوشیده می‌شود. در موقع برپایی علم صدها راس گوسفند که برای این روز نذر شده‌اند در پای و اطراف علم قربانی می‌شود و مردم نذورات خود از جمله آش، شله زرد، شیر و شربت را بین عزاداران توزیع می‌کنند. پرشورترین آئین علم بندی در مراغه مربوط به محله «؛دروازه» است که هزاران نفر از مردم در آئین علم بندی این محله شرکت می‌کنند.

سید محمد مسعودنقیب از جمله نویسندگان و شاعران معاصر است که آثار قابل توجهی در منوگرافی و بیوگرافی آذربایجان به خصوص راجع به «؛محرم در آذربایجان» دارد. به پای صحبت‌های وی نشستیم تا در خصوص آداب و سنن عزاداری ماه محرم در آذربایجان اطلاعاتی کسب

*** به نظر شما نخستین مرثیه‌خوانان و نوحه‌گران برای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) چه کسانی بوده‌اند و عزاداری‌ها به چه نحوی بوده است؟**

قبل از تولد حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، پیامبر اکرم (ص) موضوع عاشورا و شهادت امام حسین را با یک بیان خاص مطرح کرده و گریه کرده بودند.

بعد از جریان عاشورا نخستین نوحه‌گران که برای حضرت امام حسین (ع) و شهیدان عاشورا نوحه‌سرایی کردند حضرت زینب (س) و رباب مادر علی اصغر، ام البنین مادر حضرت ابوالفضل و حضرت سکینه بودند که در حین حرکت قافله اسرا در مسیر کربلا تا شام گریه می‌کردند و در جاهای لازم با سخنرانی‌هایشان به افشگری می‌پرداختند.

حتی در این مسیر یک راهب مسیحی و حتی بعضی از کوفیان نیز نوحه گفته و عزاداری کردند. قبیله بنی‌اسد نیز در جریان دفن بدن‌های شهدا به نوحه‌خوانی پرداختند.

امام زین العابدین علیه السلام نیز تا آخرین لحظه حیات‌شان هر وقت آب می‌نوشیدند نوحه‌سرایی و گریه می‌کردند.

بعد از این ایام بنی‌امیه به شدت نوحه‌گری و مرثیه‌خوانی و عزاداری برای شهدای کربلا را ممنوع کردند و عزاداری توسط شیعیان به صورت مخفی انجام می‌پذیرفت تا در سال 325 هجری قمری شخصی بنام معزالدوله از حکام آل بویه بعد از مسلط شدن به بغداد عاشورا را تعطیل عمومی اعلام کرد و مردم لباس عزا تن کرده و به صورت علنی به عزاداری پرداختند و از آن به بعد شیعیان در جای جای دنیا مخصوصاً در ایران که یک کشور شیعی است به عزاداری ماه محرم رونق دادند و به غیر از ایران عزاداری اهالی کرخو در آفریقا به خصوص در مصر و بعضی جاهای دیگر انجام می‌گرفت.

در زمان متوکل خلیفه بغداد دوباره عزاداری ممنوع شد و به دستور وی متأسفانه قبر شریف حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را به آب بستند تا اینکه در قرن ششم در نفر واعظ سنی مذهب بنام علی ابن حسین غزنوی حنفی و امیرعبادی روضه خوانی و مرثیه سرایی کردند.

تا در دوره صفویه، که رسماً اعلام کردند و دستور دادند که برای ابا عبدالله الحسین عزاداری و نوحه سرایی با عظمتی ترتیب داده شود و از آن تاریخ بعضی از علم‌ها و کتل‌ها و بیرق‌های مخصوصی ساخته شده و از آنجایی که صفویه از آذربایجان به پا خاسته بود مراسم عزاداری در آذربایجان خصوصاً در تبریز و اردبیل شکوه خاصی داشت و از چند روز مانده به محرم، مردم با نصب پرچم‌های سیاه در سر منازل و محل کارشان و حسینه‌ها و مساجد و تکیه‌ها و پوشیدن لباس سیاه و انداختن شال عزا به گردن خود به پیشواز ایام عزاداری اباعبدالله الحسین می‌رفتند. در دوره قاجار این عزاداری رونق به سزایی یافت بطوریکه در بعضی از منابع و مأخذ وجود دارد در سال 1269 قمری فقط در تهران به غیر از حسینه‌ها و مساجد فقط 54 باب تکیه وجود داشت که تعداد این تکیه‌ها در کشور به 200 باب می‌رسیده است. که از آن موقع به بعد در جای‌جای ایران اسلامی و شیعی این عزاداری‌ها متداول بوده است.

نحوه عزاداری دسته ها در این منطقه به چه شیوه هایی است؟

در تبریز هر محله ای 4 تا 5 دسته عزاداری دارد که بعضی ها در بازار و بعضی ها در محله خود و بعضی ها نیز در فضای باز خیابان های شهر حرکت کرده و به عزاداری می پردازند.

دسته عجم- سینه زنان و دسته زنجیر زنان و دسته پیوسته که هر یک از این دستجات به سبک خاص و اشعار مخصوصی عزاداری می کنند.

شاه حسین گویان که در اصطلاح محلی «#شاخسی» معروف است یکی از دستجات منحصر به فرد تبریز است که معمولاً 200 تا 1000 نفر با یک دست کمر همدیگر را به نشانه وحدت گرفته و با مشت کردن و بالابردن دست دیگر بر علیه دشمن رجزخوانی می کنند و شعارهایی در آمادگی برای جانبازی و جان نثاری در راه حضرت امام حسین(ع) سر می دهند.

تا پیش از یکی دو دهه قبل، مرسوم بود که دستجات شاه حسین گویان با یک دست کمر یا دوش یکدیگر را گرفته و با دست دیگر قمه یا شمشیر برگرفته و با تکان دادن آن در بالای سر به نشانه آمادگی در جنگ با دشمنان اسلام رجزخوانی کرده و شعار می دادند که گاهاً نیز شمشیرها را بر سر خود می زدند، که با پیام شجاعانه مقام معظم رهبری خوشبختانه این امر منسوخ شد و شمشیر گرفتن موضوعیت ندارد.

از دیگر بدعت های وارده در بعضی از دستجات شاخسی، داشتن 72 عدد طبل که طبل ها از شماره 1 تا 72 کوچک و کوچک تر می شوند.

طبل شماره یک که به یاد حبیب بن مظاهر است با جرثقیل کوچکی حمل و حدود پنج تا 10 نفر به این طبل می کوبند و طبل آخری (هفتاد و دومین طبل) به یاد حضرت علی اصغر سرباز شش ماهه اباعبدالله الحسین توسط یک پسر پنج و شش ماهه نواخته می شود و معمولاً مراسم عزاداری این دستجات شب ها از ساعت 10 به بعد آغاز می شود که تا پاسی از شب ادامه دارد و باعث رنجش کودکان و پیران و مریض ها و ترافیک بسیار در خیابان می گردد و در این میان عزاداران خسته و کوفته بعد از نیمه شب به منزل خود باز می گردند به دلیل کم خوابی نمی توانند نماز صبح را اقامه کنند و روسای هیئت ها باید به این موضوع که امام حسین برای نماز قیام کرد توجه خاصی داشته باشد.

روز و شب گر به حسین ابن علی گریه کنی شرط اول که دهد سود نماز است، نماز

دسته عرب ها

عرب ها در دو یا در یک دسته که لباسهای شان عیناً به مانند لباس عرب ها است و از نوحه و شعر خاص استفاده می کنند و در مسیر مشخص شده حرکت می کنند و معمولاً به صورت سؤال و جواب شعار می گویند. یعنی بعد از خواندن بیت اول توسط دسته اول دسته دوم پاسخ شعر دسته اول را می دهند.

دسته سینه زنان

نوع حرکت و روش این دسته ها به مانند دسته عرب ها است و اینها به آرامی به سینه می زنند و آهنگ اشعارشان متفاوت از عرب ها است.

دسته زنجیر زنان

زنجیر زنان تبریز روش زنجیر زدنشان با نقاط دیگر ایران فرق می کند. در تبریز زنجیر زنان معمولاً سه نفره و به طور موازی در پشت سر هم ایستاده و با برداشتن سه قدم به جلو و سه قدم به عقب به حرکت ادامه می دهند و در هر قدم یک زنجیر به دوششان می زنند و با «نتم ناهاشان اشعار مخصوصی را می خوانند.

دسته پیوسته

که معمولاً از کمر هم می گیرند و به همدیگر می چسبند و به صورت دو بعدی حرکت می کنند و اشعارشان به صورت دکلمه است و حالت بسیار پژمرده و یأس و افسرده حرکت می کنند و با حزن و اندوه بسیار عزاداری می کنند.

دسته عجم ها

از دستجاتی که مختص به تبریز است و من نوع آن را در هیچ کجای ایران ندیده ام، دسته عجم ها است که معمولاً این دستجات تعدادشان بیش از 200 نفر است. عزاداران این دسته ها که معمولاً از طبقات مرفه جامعه هستند، کت و شلوار و پیراهن و جوراب و کفش مشکی به تن کرده و با انداختن شال سیاه به گردن خود در حالی که دوش به دوش هم چسبیده اند با حرکت دستها به صورت «نح ضد، به امام، سینه زن، کده، اشعار، خدایا که معمولاً به فارسی، ترکی، است، می خوانند.

دسته های عجم در اربعین حسینی به صورت هیئت های عزاداری به جوار حضرت امام رضا(ع) می روند و مورد توجه مردم قرار می گیرند.

شبه خوانی

این نوع عزاداری ها از نوع هنرهای تجسمی و ترسیمی و هنر تئاتر است که افراد بدون وجه اجتماعی در نقش ائمه و اصحابش ظاهر نشوند و در دکلمه های خود با اشعار من درآوردی موجب هتک حرمت معصومین نگردند و واقعه عاشورا تحریف نشود در نوع خود جذاب است.

از تحریفات - بدعت ها- خرافات وارده در مراسم عزاداری ها برایمان بگوئید؟

آقای مایکل برانت مرد شماره یک سابق سازمان سیا مطرح کرده بود که اگر می خواهید با ایرانیان مبارزه کنید دو چیز را از دست آنها بگیرید. یکی مراجع و مجتهدین و دیگری امام حسین را و برای تحقق این امر و بدبین کردن مردم مخصوصاً جوانان، تحریفات و بدعت ها و خرافات را با عناوین مختلف به دستگاه امام حسین و مراسم عزاداری ها وارد کرد.

اباعبدالله الحسین(ع) در آن ظهر عاشورا با ذات احدیت عشق بازی می کرده و همه چیز برای لقاءالله و برای وصل به ذات باری تعالی بوده ولی متأسفانه بعضی از شعرای نادان ان را با اشعار ضعیف خودشان تا سطح یک عشق مجازی پایین آورده اند. مگر می شود که

در آن بحبوحه جنگ حضرت قاسم(ع) در فکر معشوق و ازدواج بوده باشد که اشعاری در خصوص حناپندان و نرسیدن دست قاسم به عروس خود سروده اند، در بعضی از اشعار آمده است که وجود مبارک حضرت اباعبدالله الحسین به اندازه ستارگان آسمان زخم وارد شده، کجا حضرت زینب معجزش را درید، کجا حضرت سکینه پیراهنش را پاره کرد.

بعضی‌ها که نمی‌شود به آنان شاعر اهل بیت خطاب کرد و در حدی نبوده و نیستند که مسایل و واقعه عاشورا را به خوبی درک کرده باشند مطالبی را به صورت اشعار تحریف شده به شعر آورده اند که در نوحه ها و مرثیه ها خوانده می شود و متأسفانه بعضی ها این اشعار را آهنگ و ریتم ترانه‌های مستهجن قبل از انقلاب می‌خوانند و دستجات موزیک در صف اول عزاداری‌ها می‌نوازند. مداحان و نوحه گران بیشتر به بعد عاطفی می‌پردازند و بعد ولایت به کلی فراموش شده است. در حالی که اصل، بعد ولایت و رهبری امام حسین (ع) است بطوریکه از سوی شمر ملعون برای حضرت عباس که امان‌نامه آمد تا از برادرش بگذرد و به دشمن بپیوندد، ولی حضرت عباس می‌گوید وای بر تو، من از امام و ولی خود بگذرم. اگر خوب به اظهارات حضرت عباس(ع) توجه شود می‌گوید آیا من از امام و ولی خود بگذرم، و نمی‌گویم از برادر خود بگذرم. و بدین وسیله می‌خواهد بر ولایت امام تکیه کند. از این رو اطاعت ابوالفضل از ولایت امام حسین(ع) نه از روی جبر و تسلیم بوده و نه صرفاً از سر احساس تکلیف و نه از روی برادری، بلکه از روی عشق و ارادت به امامت و ولایت بود.

در این اواخر تمثال‌ها و شمایل ائمه معصومین به صورت بنرها در مقابل حسینیه‌ها و مساجد نصب می‌شوند در حالی که هیچ پشتوانه و سند معتبری وجود ندارد که عکسی از این والامقامان بدست آمده باشد که این تمثال‌ها از روی عکس‌ها کپی شده باشد. از آنجایی که وحشت استکبار جهانی از این است که فرهنگ عاشورا در سایر ملت‌ها رسوخ کند و از آنجایی که گسترش و پویایی فرهنگ نهضت عاشورا در جامعه، انقلاب را در مقابل توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمنان بیمه کرده است.

و عاشورا فرهنگ خیزش مجاهدان و عرصه حفظ دین و مکتب انقلاب شده و نقش موثری در اتحاد و یکپارچگی ایجاد کرده است. دشمنان اسلام و نظام، نوحه‌ها و اشعاری برای دامن زدن به قومیت‌گرایی و اختلاف اندازی در اختیار بعضی از افراد جریان‌ساز قرار می‌دهند، بر مسئولین ذیربط است تا با نظارت دقیق و توجه کامل جلوی اینگونه اعمال ناپسند و بدعت‌ها و تحریفات را بگیرند تا دشمنان اسلام نتوانند به اهداف شوم خود برسند.